



MHJ

مجله تاریخ پزشکی

دوره دوازدهم، شماره چهل و چهارم، پاییز ۱۳۹۹

Journal Homepage: <http://journals.sbmu.ac.ir/mh>



مقاله پژوهشی

مروری بر زندگی و آثار اطبای شاخص خاندان نفیسی و بررسی نقش آنان در تاریخ پزشکی ایران از قرن ۹ تا ۱۴ قمری

بیبا قاضی‌زاده^۱، ریحانه معینی^{۲*} , نرجس گرجی^۳، زهرا معماریانی^۴

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ پزشکی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران.
۲. متخصص و استادیار طب سنتی ایران، مرکز تحقیقات طب سنتی و تاریخ پزشکی، پژوهشکده سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران.
۳. متخصص و استادیار طب سنتی ایران، مرکز تحقیقات طب سنتی و تاریخ پزشکی، پژوهشکده سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران.
۴. متخصص و استادیار داروسازی سنتی ایران، مرکز تحقیقات طب سنتی و تاریخ پزشکی، پژوهشکده سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: خاندان حکیم‌پرور نفیسی که بیش از ۶ قرن سابقه درخشان در تاریخ ایران زمین دارد، دانشمندان بزرگی در علوم و فنون مختلف پرورانده که نقش به‌سزایی در پیشرفت و تعالی این سرزمین داشته‌اند. با وجود معدود مقالاتی درباره برخی از اطبای این خاندان به صورت زندگی‌نامه، پژوهشی منسجم و دربردارنده تمام زوایا و تأثیرات اطبای این خاندان صورت نگرفته است. هدف از این مطالعه، مرور زندگی و آثار اطبای بزرگ و همچنین بررسی نقش این خاندان در اعتلای تاریخ پزشکی ایران می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با مطالعه کتابخانه‌ای، مصاحبه‌های حضوری و تلفنی و بررسی شجره‌نامه موجود انجام گرفت. ارائه مطالب و یافته‌ها در قالبی توصیفی - تحلیلی به بحث گذاشته شد.

یافته‌ها: سلسله این خاندان که نام خانوادگی نفیسی به او منسوب شده، نفیس بن عوض کرمانی ملقب به حکیم برهان‌الدین از معروف‌ترین پزشکان اواسط قرن نهم قمری بود که در کرمان می‌زیست. معروف‌ترین تألیفات وی، کتاب شرح الاسباب و کتاب شرح موجز القانون است. حکیم و پزشک برجسته دیگر میرزاسعید شریف کرمانی، از پزشکان نامی قرن یازدهم قمری است که حکیم باشی دربار شاه‌عباس بزرگ صفوی (حک ۱۰۳۸-۹۹۶ ق.) بود. میرزامحمدتقی طبیب ملقب به مظفرعلیشاه (قرن ۱۲ و ۱۳ قمری) و حاج‌میرزا طبیب کرمانی (متوفی ۱۳۰۰ ق.)، از دیگر اطبای مشهور این خاندان بودند. میرزاعلی‌اکبرخان نفیسی ملقب به ناظم الاطباء (۱۳۰۳-۱۲۲۴ ش.) از معروف‌ترین اطبای این سلسله است که دو اثر گرانددر لغتنامه فرهنگ نفیسی و کتاب بزرگ پزشکی‌نامه را به یادگار گذاشته است. دکتر ابوتراب نفیسی (۱۲۸۶-۱۲۹۳ ش.)، رییس دانشکده پزشکی و داروسازی اصفهان در دهه چهل شمسی، مؤلف چندین کتاب و مقاله، از دیگر پزشکان سرشناس این خاندان بود. اطبای این خاندان به ویژه در دوره صفویه و در اواخر دوره قاجاریه نقش بسیار قابل توجهی در ارتقای بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ایران و همچنین مناسبات سیاسی و فرهنگی داشته‌اند.

ملاحظات اخلاقی: صداقت و امانتداری در ارجاع متون به رفرنس‌های مورد استفاده رعایت گردید.

نتیجه‌گیری: استعداد فطری، آموزش نسل به نسل و فراهم‌شدن شرایط محیطی توسط زمامداران وقت را می‌توان از دلایل اصلی توفیقات این خاندان در عرصه‌های مختلف دانست.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۱۹

تاریخ انتشار: ۹۹/۰۸/۳۰

واژگان کلیدی:

تاریخ پزشکی ایران

خاندان نفیسی

برهان‌الدین نفیس کرمانی

طبیب

ناظم الاطباء

کرمان

* نویسنده مسؤول: ریحانه معینی

آدرس پستی: مرکز تحقیقات طب سنتی و تاریخ پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بابل، بابل، ایران

پست الکترونیک:

R.moeini@mubabol.ac.ir

۱. مقدمه

است. اطبای بزرگ این خاندان علاوه بر نقش غیر قابل انکار در انتقال دانش طب در مواردی در سمت‌های کلیدی سیاسی و اجتماعی قرار گرفته و با تصمیمات خود عامل ایجاد تغییرات سرنوشت‌سازی در تاریخ سیاسی و فرهنگی ایران بوده‌اند. تا به حال چندین مقاله و کتاب درباره زندگی و آثار این خاندان و یا برخی چهره‌های شاخص آن نگاشته شده است. از جمله مقاله «حکیمان نفیس» به قلم دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی که درباره سرسلسله این خاندان، برهان‌الدین نفیس کرمانی و تألیفات او و چند تن دیگر از اطبای شاخص این خاندان و در سال ۱۳۸۳ نگارش شده است و همانطور که خود استاد پاریزی در مقاله اشاره کرده‌اند: «بیشتر هدف نگارنده این بود که پایگاه خانوادگی مرحوم سعید نفیسی را در کرمان به عرض خوانندگان برساند»، این مقاله به معرفی چهره‌هایی از خاندان نفیسی اعم از پزشک و حکیم و ادیب و نویسنده می‌پردازد و شامل قسمت‌هایی درباره تاریخ کرمان و خاطراتی درباره این چهره‌ها می‌باشد. این مقاله بیشتر جنبه روایی دارد. مقاله «گوهر نفیسی رفت» از استاد جلال‌الدین همایی نیز درباره خصایص اخلاقی و ادبی سعید نفیسی و نسب‌نامه ایشان سخن گفته است. در این مقاله اشاره‌ای گذرا به سه تن از اطبای شاخص این خاندان شده است. استاد همایی مقصود خود از این مقاله را یادبود و یادکرد مرحوم استاد سعید نفیسی بیان می‌کند. مقاله «نسخه‌ای نفیس به خط نفیس بن عوض کرمانی» از استاد ایرج افشار درباره مجموعه خطی است که استاد در کتابخانه شخصی سعید نفیسی دیده بود، این مجموعه حاوی ده رساله طبی از تألیفات اطبا و حکمای معروف است که هشت رساله به خط حکیم برهان‌الدین نفیس بن عوض کرمانی طبیب و دانشمند مشهور قرن نهم قمری است. کتاب «نبض حیات» به قلم دو تن از نوادگان این خاندان، شرح کاملی درباره زندگی، خاطرات، تجربیات، آثار و مقالات دکتر ابوتراب نفیسی می‌باشد. همانطور که اشاره شد، این مقالات و و کتاب‌ها بیشتر به منظور بزرگداشت برخی چهره‌ها و خاطرات آن‌ها نگاشته شده و

در بررسی جنبه‌های مختلف علمی، فرهنگی و سیاسی تاریخ ایران زمین می‌توان چندین خاندان سرشناس را شناسایی نمود که نسل اندر نسل، پیشه یا هنری خاص را سرلوحه کار و فعالیت‌های خود قرار داده و زمینه‌های رشد و بلوغ آن را فراهم نموده‌اند، چنانچه خاندان البیوتات در فارس پس از حمله اعراب به ایران، در زمینه انتقال تجربیات و دانش تشکیلات اداری و مالی، حفظ ساختار و زبان این دیوان‌ها که به پهلوی بود، کوشیدند یا خاندان ابراهیم موصلی که در قرن سوم قمری در حوزه حفظ و انتقال میراث موسیقی ایرانی تلاش کردند (۱). در حوزه پزشکی نیز تاریخ ایران زمین مرهون تلاش چندین خاندان بزرگ است که از جمله می‌توان به خاندان بختیشوع و ماسویه در سده‌های اول پس از ورود اسلام به ایران اشاره نمود (۲). این خاندان‌های کهن در کنار انتقال حرفه و تخصص خود به نسل‌های آینده، فرهنگ ایرانی را نیز که در طول روزگار به تحقیق و تجربه کسب کرده بودند، نخست به فرزندان خود و سپس به نوادگان و نبیرگان و در عین حال به شاگردان خویش تلقین و تکرار می‌کردند و آن را جاودانه می‌ساختند (۳).

از جمله خانواده‌های شناخته‌شده در علم و ادب ایران، خاندان بزرگ نفیسی بوده‌اند که استاد باستانی پاریزی ایشان را «حکیمان نفیس» لقب داده است (۴). اطبای این خاندان شش قرن در مناطق مختلف ایران طبابت نموده و دستاوردها و تجربیات خود را نسل به نسل منتقل کرده‌اند. سرسلسله این خاندان برهان‌الدین نفیس بن عوض کرمانی، طبیب سرشناس قرن نهم قمری است که زاده کرمان بوده است، اما نوادگان او به تدریج به مناطق مختلف ایران هجرت کردند و کوشیده‌اند تا مسیر افتخارآمیز آبا و اجداد خویش در عرصه طبابت را همچنان دنبال نمایند. بسیاری از فرزندان و نوادگان این خاندان طبیب، ادیب و حکیم بوده‌اند (۵). نام اطبای این خاندان از دربار پادشاهان تیموری، صفوی و قاجاری تا روستاهای دورافتاده ایران و حتی در سایر کشورها پراوازه بوده

۴. یافته‌ها

۴-۱. مروری بر زندگی اطبای شاخص خاندان نفیسی: با

مروری بر شجره‌نامه این خاندان نام اطبا و حکمای بسیاری به چشم می‌آید که شاخص‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۴-۱-۱. برهان‌الدین نفیس بن عوض کرمانی: برهان‌الدین نفیس متولد سال ۸۱۲ قمری از بزرگ‌ترین حکیمان و طبیبان ایران، در اوایل سده نهم قمری بود و از آنجا که آوازه شهرتش به دربار آل‌غیبگ (حک ۸۵۳-۸۱۲ ق.) (۶) شاه دانش‌دوست تیموری رسید، به دعوت او به سمرقند رفت (۷). خاندان و پدران برهان‌الدین نفیس همگی از اطبای کرمان بودند و به صنعت طب و طبابت در کرمان شهرت داشتند (۸) و از جمله پدر (عوض) و پدر بزرگش (حکیم جمال‌الدین)، هر دو از حکیمان و طبیبان کرمان به حساب می‌آمدند (تصویر ۱) (۹). وی در مقدمه یکی از کتبش می‌نویسد: «من در خانواده پزشکان بوده‌ام و در همان سن جوانی اشتغال به این دانش داشتم» (۸). مؤید این سخن او نسخه‌هایی است که او گه‌گاه از پدران خود تجویز می‌کند. بنابراین او از کسانی است که دانش طب در خاندان آن‌ها موروثی بوده و بدین سبب علاوه بر دانش نظری طب، از فن عملی و بالینی آن هم بهره فراوانی داشته و با افزودن این تجارب عملی بر دانش نظری، توانسته است شاهکاری جاودانه در زمینه پزشکی بنگارد (۱۹). بعد از وفات الغیبگ در سال ۸۵۳ قمری، برهان‌الدین به کرمان بازگشته و در همانجا درگذشت (۷).

وی کتاب‌هایی از خود به یادگار گذاشته که مشهورترین آن‌ها «شرح‌الاسباب و العلامات» و «شرح موجز القانون» است (۱۱). کتاب شرح موجز (معالجات نفیسی، شرح نفیسی) (۱۲) شرحی است بر کتاب «موجز القانون» نوشته علاء‌الدین ابوالحسن علی بن الحزم قرشی متوفی سال ۶۸۷ قمری و کتاب «شرح‌الاسباب» شرحی است بر کتاب «اسباب و علامات امراض خاصه و عامه» تألیف نجیب‌الدین محمد بن علی طبیب سمرقندی متوفی سال ۶۱۸ قمری (۷، ۱۳) که هر دو از آثار مشهور طبیبی و از کتب طلاب قدیم محسوب

مقاله‌ای که به شکل متمرکز به مرور زندگی و آثار تمام چهره‌های شاخص این خاندان بر اساس سیر تاریخی پرداخته باشد، یافت نشد، لذا هدف کلی از تهیه و تدوین این مقاله، معرفی اطبای شاخص این خاندان و بررسی آثار و تألیفات و دستاوردها و نوآوری‌های آنان در طی قرون گذشته و بررسی نقش آنان در تاریخ پزشکی ایران می‌باشد.

۲. ملاحظات اخلاقی

صداقت و امانتداری در ارجاع متون به رفرنس‌های مورد استفاده رعایت گردید.

۳. مواد و روش‌ها

اطلاعات مربوط به این پژوهش از طریق بررسی کتابخانه‌ای و منابع مکتوب از جمله مقالات، تذکره‌ها، روزنامه‌ها و گزارش‌های تاریخدانان، گردآوری و فیش‌برداری شده است. در این مطالعه از مقالاتی چون «حکیمان نفیس» از دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی، «گوهر نفیسی رفت» از استاد جلال‌الدین همایی، «نسخه‌ای نفیس به خط نفیس بن عوض کرمانی» از استاد ایرج افشار و کتب تاریخی مانند «حبیب‌السیر» تألیف غیاث‌الدین خواندمیر (۹۴۲-۸۸۰ ق.)، «تذکره صفویه» کرمان تألیف میرمحمد مشیزی (۱۱۰۵-۱۰۴۳ ق.) و «زبده التواریخ» تألیف حافظ ابرو (متوفی ۸۳۴ ق.) بهره برده شده است.

همچنین از کمک و مشاوره نوادگان در قید حیات و بازمانده این خاندان استفاده شد، با آقای رامین نفیسی (نوه ناظم الاطباء) مصاحبه حضوری به عمل آمد که در ارائه شجره‌نامه مفصل این خاندان کمک شایانی نمودند و با خانم نسرين نفیسی (دختر دکتر ابوتراب نفیسی) مکالمه تلفنی به عمل آمده و از کتابخانه شخصی دکتر ابوتراب نفیسی، کتاب «نبض حیات» به امانت گرفته شد. در نهایت با رویکرد توصیفی - تحلیلی، زندگی‌نامه و دستاوردها و تألیفات شاخص این خاندان جمع‌آوری و تدوین گردیده است.

است. وی از پزشکان بزرگ کرمانی در عهد صفویه و پزشک مخصوص شاه سلیمان صفوی بود. پدر میرزا ابوالقاسم طبیب نیز پزشک بوده و چنین مقامی در دربار صفویه داشته است (۱۷).

۳-۱-۴. میرزا سعید شریف کرمانی: حکیم و پزشک برجسته دیگر میرزا سعید شریف کرمانی ابن محمد قاسم، فرزند میرزا ابوالقاسم طبیب کرمانی (۱۷) است که گاهی از وی با عنوان حکیم شریف هندی هم نام برده شده، به فاصله سه پشت به برهان الدین می‌رسد (۹). سعید شریف کرمانی (قرن ۱۱ ق.) همان طبیبی است که در تذکره صفویه کرمان چندین بار یاد او و فرزندانش به میان آمده است (۴). وی نویسنده «کتاب شرایف العلاج و نفایس الطب» (۱۸) و طبیب خاص گنجعلیخان زیگ (حاکم نامدار کرمان) (حک ۱۰۳۳-۱۰۰۵ ق.) است و به دلیل مهارت وی در حرفه پزشکی و نیز به دلیل ارادت گنجعلیخان به شاه عباس صفوی (حک ۱۰۳۸-۹۷۸ ق.) او را روانه دربار شاه عباس بزرگ در اصفهان می‌کند (۱۹). حکیم شریف پس از چندی اقامت در اصفهان، رییس پزشکان دربار شاه عباس یا «حکیم‌باشی» می‌شود (۷).

بعد از میرزا سعید شریف، از خاندان نفیس بن عوض که در دربار پادشاهان صفویه عنوان حکیم‌باشی را احراز کرده‌اند، دیگر تا پایان عصر صفوی، طبیبی از این خانواده وجود ندارد که مقام مذکور را به دست آورده باشد، اما با آمدن حکیم شریف هندی به کرمان، اعضای این خاندان مقام خود را به عنوان اطبای مخصوص زمامداران صفوی در کرمان حفظ کرده‌اند، به عنوان مثال حکیم اعلم کرمانی فرزند سعید شریف کرمانی، بعد از پدر طبیب مخصوص گنجعلی خان بوده است (۱۷). همچنین فرزند حکیم اعلم، خواجه محمد صالح، از اطبای نامی کرمان بود (۴، ۲۲).

۴-۱-۴. میرزا محمد تقی طبیب ملقب به مظفرعلیشاه: یکی دیگر از بزرگان طایفه حکیمان «میرزا محمد تقی طبیب» ملقب به مظفرعلیشاه (قرن ۱۲ و ۱۳ قمری) (۷) است که نسل ششم بعد از حکیم سعید شریف است (۹). وی در علوم عقلی،

می‌شوند (۱۴). این دو کتاب شاخص برهان الدین تا ۵۰ سال پیش از این در بین پزشکان ایران، افغانستان و شبه‌قاره هند، مورد استفاده و تعلیم و تعلم بوده و چندین بار نیز تجدید چاپ شده است (۱۲) و همچنان به عنوان یکی از مراجع درمانی طب ایرانی مورد استفاده است. در قرن ۱۲ قمری حکیم محمد اکبر شاه ارزانی، کتاب ارزشمند شرح الاسباب و العلامات را با حذف مباحث فلسفی و افزودن مطالبی دیگر در دو مجلد به فارسی ترجمه نموده و طب الاکبر (طب اکبری) نام نهاده است (۱۵). از دیگر آثار حکیم برهان الدین نفیس می‌توان رساله‌ای در سمومات، شرح الامراض الجزئیه (شرح قسمت امراض از کتاب فصول بقراط می‌باشد) و بحارین را نام برد (۱۶).

برخی از نسخ خطی و دست‌نوشته‌های وی به دست نوادگان او رسیده و در کتابخانه‌های آن‌ها نگهداری می‌شود. دکتر ابوتراب نفیسی در کتاب مختصر تاریخ علوم پزشکی می‌نویسد که نسخه خطی بحارین در کتابخانه شخصی او موجود است (۱۲). همچنین مرحوم ایرج افشار در سال ۱۳۵۰ شمسی مجموعه‌ای نفیس شامل ده رساله که بیشتر آن‌ها به خط نفیس بن عوض کرمانی بوده، در کتابخانه شخصی استاد سعید نفیسی دیده است. محتویات این مجموعه شامل مفتاح الطب تألیف ابوالفرج بن هندو (متوفی ۴۲۰ ق.) که تاریخ کتابت آن سال ۸۰۷ قمری است، اصلاح الادویه المسهله تألیف حبیب بن حسن دمشقی از شاگردان حنین بن اسحق به تاریخ سال ۸۰۴ قمری و چند رساله دیگر که از طریق مقایسه خط، به خط برهان الدین نفیس دانسته شده، می‌باشد (۱۶).

۲-۱-۴. میرزا ابوالقاسم طبیب کرمانی: از جمله شاخص‌ترین اطبای کرمانی عصر صفویه که به طبابت مخصوص پادشاهان صفوی رسیده‌اند، می‌توان به «میرزا ابوالقاسم طبیب کرمانی» (از نوادگان حکیم نفیس بن عوض کرمانی) اشاره نمود که به دلیل آنکه بخش مهمی از دوران زندگی خود را در هندوستان و دکن (بخش جنوبی هندوستان امروزی) سپری کرده بود، از وی با عنوان «حکیم ابوالقاسم بهمنی هندی» نیز یاد شده

اصفهان ساکن شد و پسران او به نام‌های ابوالقاسم انتظام الاطباء و میرزاتقی و عبدالمهدی (پدر دکتر ابوتراب نفیسی) طبیب بودند (۵).

۴-۱-۶. حاج میرزا کاظم طبیب: حاج میرزا کاظم طبیب (مشهور به بصیر که نوادگان وی با نام خانوادگی بصیری شناخته می‌شوند)، فرزند میرزازین‌العابدین (و نسل یازدهم از فرزندان حکیم برهان‌الدین)، حاذق‌ترین پزشک استان یزد و شهرستان ابرکوه در دوران قاجاریه از نسل حکیم برهان‌الدین کرمانی است. او متولد سال ۱۲۵۰ قمری (۱۲۱۳ ش.) در یزد بوده (۲۴) که در پاسخ به نیاز مردم ابرکوه به یک طبیب حاذق، به این شهر سفر می‌کند و علاوه بر درمان افراد، خدمات ارزنده دیگری در حوزه اجتماعی، فرهنگی، علمی، امور خیر و عام‌المنفعه انجام می‌دهد. وی زمان پادشاهی پنج شاه قاجار را درک کرده و در نهایت در سال ۱۳۴۴ قمری (۱۳۰۴ ش.) دیده از جهان فرو بسته است (۲۵).

منزل شخصی وی در حکم درمانگاه و بیمارستانی بود که بیماران پس از مراجعه به پزشک و استفاده از داروهایی که خود طبیب برایشان تهیه می‌کرد، در آنجا استراحت می‌کردند و پس از بهبودی هزینه‌ای ناچیز به عنوان حق ویزیت می‌پرداختند (۲۴). وی در پزشکی و داروسازی و نیز علوم لازمه آن از قبیل گیاه‌شناسی، زمین‌شناسی و جانورشناسی مهارت ویژه‌ای داشت و به شهادت پیران قوم، بسیاری بیماری‌های صعب‌العلاج را به خوبی درمان می‌نمود و در انجام جراحی به سبک قدیم تبحر داشت (۲۴).

همانند بسیاری از دیگر افراد این خاندان میرزا کاظم نیز در کنار طبابت از ذوق ادبی والایی برخوردار بود و دیوان اشعاری از وی به یادگار مانده است (۲۵). اوراق و دست‌نوشته‌های او در طب، ادبیات و عرفان و نوآوری‌ها و اختراعات خاص وی در زمینه سبک و قالب‌های شعری، نسل به نسل به فرزندان او منتقل شده است (۲۵). حاج میرزا حسین آقا طبیب از فرزندان اوست که وی نیز در پزشکی شهره است (۲۵).

از طبیعی و ریاضی، و در علوم نقلی، از اصول و فروع، تبحر کافی داشت. عرفای زمان، او را در عرفان نظیر شیخ صدرالدین قونوی و مولانا جلال‌الدین رومی بر شمرده‌اند و به او حکیم ایمانی و مولوی کرمانی لقب داده‌اند (۲۱). وی صاحب چندین کتاب است، از جمله مجمع البحار، کبریت احمر، نورالانوار فی علم الاحجار، کتاب خلاصه‌العلوم و معروف‌ترین آن‌ها به نام «دیوان مشتاقیه» که به اسم مشتاقعلیشاه اصفهانی تخلص کرده است (۲۲)، هر چند شهرت ایشان به سبب مدارج در عرفان بوده است، اما شواهدی مبنی بر توانایی در طب نیز وجود دارد که از جمله درمان بیماری سخت فرزند یکی از بزرگان کرمانشاه است (۱۶). وی سرانجام به سال ۱۲۱۵ قمری رحلت نمود و در کرمانشاه مدفون گردید (۲۳). سه پسر ایشان به نام‌های محمد کاظم، علیرضا و حیدرعلی هر سه از حکیمان و طبیبان معروف بوده‌اند (۴). میرزا حیدرعلی طبیب خاصه حکام کرمان بود و در سفرهای مختلف به بلوچستان و مناطق گرمسیری آنان را همراهی می‌نمود (۴). همچنین برادر ایشان به نام میرزا عبدالعلی حکیم (میرزا عبدالعلی اول) در فن طبابت ماهر بود (۱۷، ۲۱).

۴-۱-۵. میرزا محمد حسن طبیب کرمانی و فرزندانش: حاج محمد حسن از نوادگان برهان‌الدین نفیس، مانند نیاکان و پدران خود در کرمان به طبابت مشغول بود و در سال ۱۳۰۰ قمری درگذشت. میرزا محمد حسن در پزشکی چندین تألیف دارد (۷). پسران او به نام‌های میرزا عبدالرضا حکیم‌باشی، علی‌اکبر ناظم الاطباء، اسحاق، میرزا خلیل‌خان طبیب، میرزا کاظم، میرزا عبدالجواد و میرزا ابوتراب‌خان طبیب بودند (۹). مرحوم احمد علی‌خان وزیری درباره میرزا عبدالرضا نقل می‌کند: «میرزا عبدالرضا خان حافظ الصحه پسر حاجی میرزا حسن از سایر اطباء کرمان مشهورتر و مرجعیت زیاد دارد» (۲۲). وی در سال ۱۳۰۰ قمری (۱۲۶۲ ش.) به عنوان نخستین حافظ الصحه کرمان منصوب شده بود (۱۷). مرحوم میرزا علی‌اکبرخان ناظم الاطباء، پسر دوم میرزا محمد حسن بود (۷). میرزا ابوتراب در قریه فوده (پوده)

۴-۱-۷. فرهنگ نفیسی (۱۳۴۲ ق.): این کتاب مهم‌ترین و معروف‌ترین اثر از آثار در حیطه علوم غیر پزشکی وی است که سی سال از عمر خود را صرف آن نموده است. وی این کتاب فرهنگ لغت را به نام «فرنودسار» نام گذاشته است که بعد از فوت وی به همت فرزندش، سعید نفیسی چاپ شده است (۲۶).

محمدتقی سردمدی در کتاب خود، پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان جهان، به تألیفات دیگر میرزا علی‌اکبرخان نفیسی از جمله کتاب در پاتولوژی و کلینیک جراحی، رساله‌ای در فیزیکی، رساله‌ای در جراحی، رساله‌ای در تراپوتیک یا درمان، دو رساله در سوءهضم و کتاب مذاکرات اشاره کرده است (۳۰).

ناظم الاطباء پس از جلوس مظفرالدین‌شاه، در سال ۱۳۲۴ قمری طبیب دربار شد (۴) و گویا نقش غیر مستقیمی در ماجرای امضای فرمان مشروطیت داشته است. ماجرا به نقل از کتاب تاریخ بیداری ایرانیان از این قرار است که «دست‌خط مشروطیت صادر شده بود، ولی هنوز مظفرالدین‌شاه آن را امضا نکرده بود، یکی از طبیبان دربار سهواً و یا کس دیگری عمداً، دوی عوضی به مظفرالدین‌شاه داده و آن مرحوم را گمان این بود که او را مسموم کرده‌اند. نزدیک بود خیالات مالیخولیایی به سر شاه افتد. ناظم الاطباء که همه را مبهوت و شاه را مرعوب دید، ملتفت شد که هم بعضی در خطراند و هم خیالات موهوم شاه را تلف می‌کند. فوراً بقیه دوا را سرکشید و گفت: «نقلی ندارد، دوا مضر نیست»، بعد از آن به معالجه شاه و خود پرداخته تا چندی دیگر شاه را نگاه داشت تا امر مشروطیت مستحکم گردید» (۳۱).

در سال ۱۲۹۰ قمری به امر ناصرالدین‌شاه (۳۲) و به پیشنهاد مرحوم حاج‌میرزا حسن‌خان مشیرالدوله، به شیوه مریض خانه‌های اروپایی، نخستین بیمارستان جدید در ایران تأسیس شد و ناظم الاطباء به عنوان ریاست بیمارستان (مریضخانه دولتی) تعیین شد (۳۳). این بیمارستان امروز به نام «بیمارستان سینا» نامیده می‌شود. او از سوی دولت به حکم

۴-۱-۷. میرزا علی‌اکبرخان نفیسی کرمانی: میرزا علی‌اکبرخان ملقب به ناظم الاطباء (۱۳۴۲-۱۲۶۳ ق/ ۱۳۰۳-۱۲۲۵ ش.) فرزند میرزا محمدحسن طبیب کرمانی (۷) از بزرگان و طبیبان به نام ایرانی در زمان ناصرالدین‌شاه (حک ۱۳۱۴-۱۲۶۵ ق.) و مظفرالدین‌شاه (حک ۱۳۲۴-۱۳۱۴ ق.) قاجار بود (تصویر ۲) (۲۶). ایشان را می‌توان در کنار نفیس بن عوض از شاخص‌ترین چهره‌های این خاندان دانست.

مدرس تبریزی، صاحب ریحانه‌الادب، آنجا که از ناظم الاطباء یاد می‌کند، نسینامه او را چنین می‌نویسد: میرزا علی‌اکبرخان بن محمدحسن بن علی‌اکبر بن محمدعلی بن محمدکاظم بن ابوالقاسم بن محمدکاظم بن سعید شریف، نفیسی معروف به ناظم الاطباء (۲۷). وی سرسلسله خانواده نفیسی‌های تهران است که از بیش از صد و بیست سال پیش در تهران ساکن شده‌اند (۲۸).

او با کمک و تشویق وکیل‌الملک، حکمران کرمان (حک ۱۲۸۳-۱۲۷۵ ق.) در حدود سال ۱۲۸۲ قمری، در دارالفنون تهران (که در سال ۱۲۶۸ قمری توسط امیرکبیر دایر شده بود) مشغول تحصیل در علم طب می‌شود (۳).

آثار میرزا علی‌اکبرخان ناظم الاطباء عبارتند از:

۴-۱-۷-۱. پزشکی‌نامه (۱۳۱۷ ق.): این کتاب گرانقدر که تألیف آن ۲۵ سال به طول انجامیده آمده است، در علم تراپوتیک (درمان) و ماتیر مدیکال (مواد دارویی) است (۲۹). در واقع ناظم الاطباء با اشرافی که به طب سنتی ایران و همچنین پزشکی روز داشت، این کتاب دارویی را با ترکیب این دو دانش نگاشته است که امروزه نیز می‌تواند راهگشای بسیاری از سؤالات ناشی از اختلاف اسامی و مفاهیم در این دو مکتب طبی باشد (۷).

۴-۱-۷-۲. نامه زبان‌آموز (۱۳۱۶ ق.): این کتاب در مورد دستور زبان فارسی است (۷).

۴-۱-۷-۳. کتاب تعلیمات ابتدایی (۱۳۱۷ ق.): نخستین کتاب به روش جدید برای نوآموزان است. این کتاب سه بار چاپ شد (۷).

مرحوم میرزاعلی اکبرخان نفیسی برای پیشرفت کشور بزرگ ایران گام‌های بسیاری برداشته است و به پاس قدردانی از خدمات او به ایران و ایرانیان، کوچه منشعب از خیابان اکباتان تهران که منزلش در آن قرار داشت، پس از گذشت حدود یکصد و بیست سال کماکان به نام او مزین است (۳۵).

مرحوم ناظم الاطباء چهار پسر و سه دختر داشت، سه فرزند او در علم طب دست داشته‌اند (۳۵).

۴-۱-۸. ابوالقاسم خان نفیسی، انتظام الاطباء: انتظام الاطباء (پسر میرزا ابوتراب خان طبیب) در شهر مشهد سکونت داشته و از اطبای به نام و جراح حاذق شهر بوده است (۵). احتمالاً ولادت او در سال ۱۲۴۸ شمسی و وفاتش در سال ۱۳۱۲ شمسی اتفاق افتاده است. ابوالقاسم خان در سال ۱۲۷۵ شمسی به درخواست ناظم الاطباء و به امضای مظفرالدین شاه، حکم انتظام الاطبایی را دریافت کرده است. وی در سال ۱۲۷۶ شمسی، طبیب فوج نظامی در خوزستان و از سال ۱۲۹۳ شمسی، طبیب مقیم دارالشفای امام رضا (ع) بوده است. در دو مقاله «گوهر نفیسی رفت» و «حکیمان نفیس»، ابوالقاسم نفیسی به عنوان رییس دانشکده پزشکی اصفهان معرفی شده است که با بررسی شجره‌نامه و مصاحبه با نوادگان خاندان این موضوع اشتباه به نظر می‌رسد.

۴-۱-۹. دکتر علی اصغر نفیسی: ملقب به مؤدب الدوله، (۱۳۲۸-۱۲۵۱ ش). فرزند ارشد ناظم الاطباء، دانش‌آموخته پاریس، استاد طب در دارالفنون، سرپرست محمدرضا پهلوی در سوئیس (۳۶) و نخستین وزیر بهداشتی ایران بود (۱۹).

او در دوره ناصرالدین شاه قاجار به دنیا آمد و به تشویق پدر در مدرسه طب دارالفنون به فراگیری علم طب پرداخت (۳۶). در دوران حکومت مظفرالدین شاه قاجار برای ادامه تحصیل رهسپار فرنگ شد و در طب داخلی از دانشگاه پاریس فارغ‌التحصیل شد. وی همزمان با نهضت مشروطیت به ایران بازگشت و در سمت دانشیار، مترجم و معلم تشریح توصیفی و طب مقدماتی در دارالفنون به کار اشتغال ورزید (۳۷). او، اولین مجله پزشکی ایران را با عنوان «حفظ الصحة» یا مجله

«حکیم‌باشی بیمارستان» معروف گردید و تا سال ۱۲۹۸ قمری هم مسؤولیت ریاست مریضخانه دولتی را بر عهده داشت (۳۳).

در سال ۱۲۹۳ قمری برای اولین بار «مجلس حفظ الصحة» در تهران تشکیل شد. علی اکبرخان نفیسی به عضویت مجلس حفظ الصحة درآمد (۷). در سال ۱۲۹۸ قمری به دستور مشیر الدوله سپهسالار به تأسیس و مرمت دارالشفای آستان مقدس پرداخت (۷). به این ترتیب دومین بیمارستان به شیوه اروپاییان نیز زیر نظر ناظم الاطباء تأسیس شد (۲۶). در اواخر سال ۱۳۰۹ و اوایل ۱۳۱۰ قمری که بیماری وبای سختی در تهران شیوع پیدا کرد و بیشتر پزشکان از تهران گریخته بودند، وی در تهران ماند و جانفشانی و پایداری شگفتی کرد (۲۷). این کار موجب شهرت و محبوبیت او شد، به همین جهت مورد توجه خاص ناصرالدین شاه قرار گرفت و تا سال ۱۳۲۸ قمری در سمت طبابت مخصوص خانواده شاه بود (۷). در سال ۱۳۱۵ قمری، سرم ضد دیفتری را از پاریس به تهران آورد و در معالجه دیفتری به کار برد (۳۴).

در سال ۱۳۱۶ در تهران «انجمن تأسیس مکاتب ملیه ایران» به وجود آمد که بعدها با نام «انجمن معارف» معروف شد و ناظم الاطباء از اعضای انجمن بود. هر یک از اعضا مدارسی جدید به سبک مدارس اروپایی در ایران ایجاد کردند و ناظم الاطباء، مدرسه شرف را تأسیس نمود (۳، ۷). از سال ۱۳۲۸ قمری به بعد، تا آخرین روز زندگی‌اش، تمام اوقات خود را صرف معالجه و مداوای بیماران و تألیف کتب سودمند و خدمات فرهنگی نمود (۷). درباره او گفته‌اند «میرزاعلی اکبر خان کرمانی (ناظم الاطباء)، به علت شغل طبابت و مسؤولیت وجدانی و اخلاقی و دینی که در خاندان‌های کهن ایرانی موروثی و طبیعی بود، با قاطبه مردم تهران آشنایی داشت و چون هم طب ایرانی را می‌دانست، هم با طب جدید در دارالفنون آشنا شده بود، مطبش هم همیشه پرمشتری بود» (۳۵).

وی تحصیلات اولیه خود را در مدرسه پدرش (شرف) و مدرسه علمیه تهران به پایان رساند (۳) و برای تحصیل پزشکی به فرانسه اعزام شد (۴۰)، ولی از آنجا که اعتقاد داشت بزرگ‌ترین درد مردم ایران بی‌سوادی است، تحصیلات پزشکی را رها کرد و در برگشت به وطن حرفه معلمی را برگزید.

اولین اثر وی در سال ۱۲۹۰ شمسی در زمینه پزشکی و ترجمه کتاب معالجه تازه برای حفظ دندان و دهان بود (۴۰). نام او جزء اولین اعضای فرهنگستان ایران که در سال ۱۳۱۳ شمسی به دستور رضاشاه و به همت محمدعلی فروغی تأسیس و تا شهریور ۱۳۲۰ شمسی فعالیت داشت، ثبت شده است (۳).

استاد نفیسی کتابخانه‌ای بزرگ داشت که بخش اصلی آن مجموعه کتاب‌های پدرش، ناظم الاطباء، بود (۱۶). موضوع کتاب‌های مهم مجموعه نفیسی ایران‌شناسی، اسلام و مخصوصاً ادبیات و زبان‌های فارسی و عربی بود. وی بهترین مجموعه کتاب‌های درسی درباره ایران را در کتابخانه خود جمع‌آوری نمود. کتابخانه او حدود ۱۲۰۰ جلد کتاب خطی داشت (۴۲).

از جمله آثار بسیار سعید نفیسی در زمینه‌های مختلف، می‌توان به زندگی و کار و اندیشه و روزگار پورسینا، سرگذشت ابن سینا به قلم خود او، رباعیات حکیم عمر خیام، تاریخ مسعودی معروف به تاریخ بیهقی، دیوان قصاید و غزلیات نظامی گنجوی، احوال و اشعار فارسی شیخ بهایی، یزدگرد سوم، مدرسه نظامیه بغداد و تاریخ بیمارستان‌های ایران اشاره کرد (۴۲).

استاد سعید نفیسی محقق، ایران‌شناس، ادیب، مورخ، مترجم و نویسنده معاصر، یکی از چهره‌های برجسته فرهنگ و ادب ایران است که همه عمر خود را در راه کسب علم و نشر آن به سر برد و با تدوین آثار تحقیقی در زمینه‌های مختلف از جمله پزشکی و تاریخ پزشکی، چهره‌ای به یادماندنی در تاریخ علم و فرهنگ ایران زمین از خود به یادگار گذاشت (۲۸).

۱-۱۲. دکتر نعمت‌الله خان نفیسی: دکتر نعمت‌الله خان فرزند شکرالله فرزند میرزا عبدالرحیم حکیم‌باشی فرزند میرزا عبدالعلی فرزند محمدعلی (برادر مظفر علیشاه) فرزند محمدکاظم است

طبی در ۹ شماره از صفر تا شوال ۱۳۲۴ قمری (فروردین تا آبان ۱۲۸۵ ش.) به فارسی منتشر کرد (۳۳) که تا مدت‌ها تنها مجله طبی و تخصصی ایران بود. مندرجات این مجله، بهداشتی و طبی و نویسنده بیشتر مطالب خود مؤدب الدوله بوده است (۳۸). بخش‌های مهم هر شماره شامل بحث‌های خاص پزشکی مانند پاتولوژی، روش‌های معالجه برخی بیماری‌ها از قبیل اسهال، نسخ مفید برای بیماری‌های رایج چون بزرگی طحال، حفظ الصحه عامه که مقالاتی عامه فهم به ویژه درباره تغذیه بودند، قسمت بزرگان که طی ۹ شماره به شخصیت‌های دوره باستان مانند سقراط و بقراط و افلاطون و ارسطو پرداخته شده است (۱۶).

۱-۴-۱۰. میرزا ارسطو خان نفیسی: میرزا ارسطو خان نفیسی فرزند میرزا عبدالرضا حکیم‌باشی، در ۱۲۶۶ شمسی در شهر کرمان دیده به جهان گشود (۳۷). شور و شوق طبابت و تحصیل طب را از راه همنشینی با پدر و عموهای طبیب و دانشمندش میرزا اخیل خان طبیب و دکتر علی‌اکبر خان ناظم الاطباء به دست آورد و به منظور تحصیل طب به تهران رهسپار و با کسب رتبه اول در سال ۱۲۹۸ شمسی از دارالفنون فارغ التحصیل شد (۳۷)، سپس به شهرهای آستارا و قصر شیرین رفته و به عنوان طبیب قرنطینه صحیه کل مملکتی به کار اشتغال ورزید و در سال ۱۳۰۴ شمسی به ریاست صحیه و بیمارستان نوریه (۳۹) کرمان منصوب شد. میرزا ارسطو خان نفیسی تا پایان حیات به امر طبابت در محکمه شخصی خود در شهر کرمان پرداخت (۳۸). دکتر رضا نفیسی استاد آسیب‌شناسی بالینی و بیوشیمی پزشکی، فرزند دکتر ارسطو خان می‌باشد (۳۸).

۱-۴-۱۱. دکتر سعید نفیسی: فرزند دیگر دکتر علی‌اکبر خان ناظم الاطباء که از او به عنوان مایه افتخار «طایفه حکیمان نفیس» و کرمان و ایران یاد شده (۱۳۴۵-۱۲۷۴ ش.) (۲۸)، مؤلف نزدیک به ۲۰۰ کتاب و بیش از نهصد مقاله و رساله و با پشتوانه ۴۰ سال سابقه تدریس در رشته‌های تاریخ و ادبیات است (۱۹).

سرپرستی بانو فخرالدوله و دیگر مؤسسات خیریه فعالیت داشت (۴۳).

بنا به اظهارات رامین نفیسی، برادرزاده همدم نفیسی، او اولین زن ایرانی تحصیلکرده مامایی در فرانسه بوده است. همچنین همدم نفیسی واقف درمانگاه نفیسی در محله دروس تهران می‌باشد (۳۵).

۱-۴-۱۵. دکتر عباس نفیسی: فرزند ارشد دکتر علی اصغر مؤدب نفیسی (مؤدب‌الدوله) در سال ۱۲۸۵ شمسی در رشت متولد شد. پس از انجام تحصیلات مقدماتی وارد مدرسه سن لویی شده و سپس برای ادامه تحصیل عازم اروپا گردید و در رشته پزشکی فارغ‌التحصیل شد (۳۶). وی در سال ۱۳۱۲ شمسی کتابی با عنوان طب در ایران، در پاریس و به زبان فرانسه منتشر کرد که عمدتاً بر مبنای ذخیره خوارزمشاهی اثر سیداسماعیل جرجانی بود (۴۴). در سال ۱۳۱۵ شمسی با عنوان دانشیار درمان‌شناسی به استخدام دانشکده پزشکی درآمد و در سال ۱۳۱۸ شمسی استاد کرسی درمان‌شناسی شد. وی در کابینه حسین علاء معاون وزیر بهداشتی شد. در شیر و خورشید سرخ (هلال احمر) نیز برای زمانی طولانی دبیر کل بود. سرانجام در سال ۱۳۵۵ شمسی در اثر سکته مغزی درگذشت (۳۶).

۱-۴-۱۶. دکتر ابوتراب نفیسی: وی فرزند مرحوم میرزا عبدالمهدی پسر میرزا ابوتراب (برادر ناظم الاطباء) پسر حاج میرزا محمدحسن طبیب است (۹). به سال ۱۲۹۳ شمسی، در روستای پوده، از توابع سمیرم سفلی اصفهان چشم به جهان گشود (۵). پدر و عموی هر دو از حکیمان زمان خویش و ساکن همین روستا بودند. او ابتدا به اصفهان و سپس به تهران نقل مکان نمود (۵). وی پزشکی را در دانشکده پزشکی «دانشگاه تهران» آموخت و در سال ۱۳۱۶، با رتبه ممتاز از این دانشگاه فارغ‌التحصیل شد (۵). وی مجدداً به اصفهان بازگشت و در درمانگاه «کازرونی» این شهر مشغول شد (۵۰) و در سال ۱۳۲۵ به سمت دانشیار رشته «گیاه‌شناسی» آموزشگاه عالی بهداشتی و سپس در سال ۱۳۲۷، به رتبه

(۹). مرحوم باستانی پاریزی، از وی به عنوان طبیب خوشنامی از این خاندان یاد می‌کند که مردم او را به تحیب، «داداشو» می‌خواندند که به معنی برادر است. او عمر خود را در ماهان کرمان سپری کرد و مردی درویش بود. وقتی بیماری نزد او می‌آمد، نه تنها توقعی نداشت، بلکه گاهی دوی بیمار را هم خود می‌داد. مرحوم فریدون نفیسی فرزند دکتر نعمت‌الله‌خان بود که خود از مردان خیر و از صاحب قلمان کرمانی مقیم ماهان بود (۴).

۱-۴-۱۳. رباب نفیسی: دختر ابوالقاسم خان نفیسی که به خانم رباب معروف است، یکی از پزشکان تجربی و غیر رسمی بوده که نزد پدر و عموهای خود علم طبابت را به صورت غیر رسمی فراگرفت و مدتی در بیمارستانی در مشهد و سپس در روستای پوده به مداوای بیماران پرداخت (۵). او در حدود ۱۲۸۰ شمسی و احتمالاً در روستای پوده اصفهان به دنیا آمد و به علت شغل پدر به شهر مشهد می‌آید (۵). او مدتی در مشهد در بیمارستانی که توسط خارجیان اداره می‌شد، کار می‌کند و در آنجا تزییقات و جراحی‌های کوچک را فرا گرفته، موفق به اخذ گواهی‌نامه در امر طبابت می‌شود. در سال‌های ۱۳۱۴-۱۳۱۵ شمسی به ده پوده مراجعه کرده و شروع به مداوای بیماران می‌کند. او در طبابت موفق بوده و آوازه‌اش به روستاهای اطراف پوده نیز می‌رسد. وی در سال ۱۳۴۹ شمسی به علت سکته مغزی در اصفهان درمی‌گذرد (۵).

۱-۴-۱۴. زهرا نفیسی: زهرا ملقب به همدم از دیگر فرزندان ناظم الاطباء است. در فرانسه و در مدرسه اکول دوساژ، مامایی خواند. در بازگشت به ایران مدتی در بهداشتی راه‌آهن تهران به کار پرداخت، اما چون در آن شرایط زمانی (۱۳۲۰-۱۳۱۸ ش.) کار زنان امری غیر متعارف محسوب می‌شد، به وزارت فرهنگ رفت و در دبیرستان‌های دخترانه به تدریس فن بچه‌داری پرداخت (۴۳). او در سال ۱۳۶۱ شمسی درگذشت. از وی کتابی هم در مورد مامایی باقی است. وی به عنوان کارهای مربوط به پزشکی و مامایی با بنگاه خیریه بانوان نیکوکار تحت

ایشان از سال ۱۳۶۹ به عنوان عضو پیوسته فرهنگستان علوم پزشکی پذیرفته شد (۵). وی در طی دوران طبابت خود، مطالعات و تحقیقات زیادی انجام داد که نتایج آن‌ها در کتاب‌های وی انعکاس یافته است، اما یکی از مطالعات وی که تاکنون به طور کامل بررسی و منعکس نشده است، آلبوم بزرگ عکس «گوش‌ها» است که متعاقب کار تحقیقی بر روی بیماران انفارکتوسی، به وجود آمد. این عکس‌ها از خط مورب لاله گوش افراد گرفته شده است و گویا بیانگر نوعی ارتباط بین وضعیت گوش و ابتلا به انفارکتوس است (۵).

تاکنون ۲۳ کتاب و ۸۴ مقاله از وی به چاپ رسیده است (۵). از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به این عناوین اشاره کرد: پژوهش در مبانی عقاید سنتی پزشکی مردم ایران، خواص خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها طی قرون و اعصار در بین ملل مختلف جهان، سمیولوژی قلب و ریه، سمیولوژی هاضمه، سمیولوژی بیماری‌های اعصاب، بررسی طب و طبابت در نهج البلاغه، مختصر تاریخ علوم پزشکی تا ابتدای قرن معاصر، عقاید سنتی مردم ایران درباره بهداشت تن و روان و درمان بیماری‌های رایج در ایران، تاریخ اخلاق پزشکی، بررسی روزه از نظر طبیبی، انسان شاهکار خلقت، اصول الکتروکاردیوگرافی، مقدمات فن یادگیری علم پزشکی و ترجمه کتاب «من لا یحضره الطبیب و براء الساعه» ابوبکر محمد بن زکریای رازی (۵). دکتر ابوتراب نفیسی در تاریخ سه‌شنبه ششم آذر ۱۳۸۶ شمسی بدروم حیات گفت (۴۶).

۴-۲. بررسی نقش خاندان نفیسی در تحولات علمی، سیاسی و فرهنگی پنج قرن اخیر ایران: مرور زندگی‌نامه اطباء شاخص این خاندان و تلاش‌ها و اقدامات آن‌ها در برهه‌های مختلف به خوبی نقش آن‌ها را در تاریخ علمی، سیاسی و فرهنگی ایران زمین نشان می‌دهد.

۴-۲-۱. نقش اطباء خاندان نفیسی در پیشرفت دانش پزشکی ایران: چنانچه مکرر اشاره گردید، فرزندان و نوادگان حکیم نفیس بن عوض کرمانی، نه فقط در کرمان، بلکه در بسیاری از نقاط ایران و دیگر سرزمین‌های اسلامی، به عنوان

دانشیاری رشته داخلی آموزشگاه عالی بهداری، دانشکده پزشکی و رییس بخش داخلی آن منصوب گردید (۵). رشته تکمیلی قلب‌شناسی را در دانشگاه‌هاروارد آمریکا گذرانید (۴۵) و به منظور شرکت در کنفرانس‌های علمی به کشورهای انگلستان، فرانسه، سوئیس، ایتالیا و... سفر کرد و در نهایت نیز، در سال ۱۳۳۶، به استادی در رشته بالینی داخلی نایل (۵) و در سال ۱۳۴۲ از طرف شورای مرکزی دانشگاه به سمت ریاست دانشکده پزشکی و داروسازی اصفهان منصوب شد (۴۶). همکاران و نزدیکان دکتر نفیسی اذعان دارند که وی را نه به عنوان پزشک که به عنوان حکیم، باید شناخت. وی هنگام مداوای بیماران به ویژگی‌های روحی و وضعیت اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و وضعیت سکونتی بیماران توجه خاصی داشت و توجه به این موارد به ایجاد ارتباط صمیمی وی با بیمار منجر می‌گردید و در نهایت باعث سرعت گرفتن روند درمان بیمار می‌شد (۴۷).

دکتر نفیسی، علاوه بر بینش و دانش کافی در پزشکی جدید، اطلاعات و دانسته‌های فراوانی در طب قدیم داشت، گفته شده وی به شیوه مرسوم آن زمان طب قدیم را نزد پدر خویش آموخته است. در حقیقت او محل تلاقی و وحدت بین طب قدیم و طب جدید است (۴۷)، لذا هم کتاب «دکتر و کاردیوگرافی» را بر اساس داده‌های طب روز نگاشته و هم کتابی از «رازی» را ترجمه کرده است و در کنار آن، عقاید سنتی مردم ایران را در مورد مسائل پزشکی نگاشته است. کتاب «نبض حیات» که به مطالعه شرح حال، زندگی و آثار او می‌پردازد نیز گویای این مطلب است (۴۷).

دکتر نفیسی در سال ۱۳۶۲ شمسی اولین مرکز طب سنتی و گیاه‌درمانی را در ایران در دانشکده داروسازی و علوم دارویی اصفهان بنیانگذاری نمود و تا آخر عمر ریاست این مرکز را عهده‌دار بود. به همت استاد نفیسی اولین کنگره طب سنتی و گیاه‌درمانی در کشور در سال ۱۳۶۵ شمسی در دانشگاه اصفهان تشکیل و موجبات احیا و اعتلای طب سنتی در کشور فراهم گردید (۴۵).

کشورهایی چون هندوستان و عراق را که قبلاً پرچمدار طب سنتی محسوب می‌شدند، گرفت (۱۷). با رایج شدن تحصیلات طبی با اسلوب غربی، گرچه اعضای خاندان‌های پزشکی پیشه و از جمله اعضای خاندان نفیسی تلاش کردند تا فرزندان خود را به سمت برخورداری از این تحصیلات سوق بدهند (از جمله فرزندان خویش را نخست برای تحصیل در دارالفنون و سپس برای سفر به خارج از کشور و تحصیل در دانشکده‌های پزشکی غربی اعزام نمودند)، اما برخی از آنان از جمله ناظم الاطباء همچنان به حفظ دستاوردهای طب سنتی ایرانی نیز پایبند بودند و با توجه به جایگاهی که در تصمیم‌گیری‌های ملی مربوط به طب و طبابت داشتند، در جهت پاسداری از این شیوه کهن آموزش طب نیز تلاش نمودند (۱۷). به عنوان مثال مطب ناظم الاطباء مدت‌ها به عنوان یکی از چهار مرکز اصلی آموزش طب (که به مکاتب چهارگانه شهرت یافته بودند) در کنار دارالفنون به تربیت طبیب می‌پرداخت (۴۹). نقش مهم این مکاتب اربعه در آموزش پزشکی دوره قاجار بارها مورد تأیید قرار گرفته است. دانش‌آموختگان این مکاتب با تأیید اساتید خود گواهی طبابت دریافت کرده و اجازه کار می‌یافتند. نکته جالب توجه آنکه کتاب شرح الاسباب نفیسی در کنار کتاب قانون بوعلی به عنوان منبع اصلی آموزش طب سنتی در دارالفنون نیز استفاده می‌شد (۴۹).

با وجود تغییرات بنیادی در پزشکی اواخر قاجار این خاندان همچنین کوشیدند تا نقش کلیدی و محوری و جایگاه ممتاز خویش را در صحنه طب و طبابت ایران حفظ بنمایند، ولی روند وقایع تاریخ پزشکی تا اوایل عصر پهلوی به گونه‌ای پیش رفت که نقش این خانواده‌ها در طب و طبابت ایرانی، روز به روز کم‌رنگ‌تر گردید و به ویژه با رواج سیستم‌های جدید آموزش طب و تغییرات اساسی در شیوه‌های گزینش دانشجوی پزشکی (به عنوان مثال کنکور در عصر پهلوی)، عصر سیطره خاندان‌های پزشکی پیشه بر عرصه طب و طبابت ایران نیز خاتمه یافت و بدین ترتیب طب و طبابت در ایران یکی از خصوصیات برجسته و مهم خود را (که در ایران قدمتی سه

طبیانی حاذق و توانا اشتهار یافتند و در عصر صفویه و افشاریه، زندیه، قاجاریه و حتی اوایل عصر پهلوی ارج و مقام والای خویش در عرصه طب و طبابت ایران و کرمان را همچنان حفظ نموده‌اند (۱۷)، به ویژه نقش آنان در تاریخ پزشکی کرمان بسیار قابل توجه است، چنانچه دکتر وزیرری در این باره می‌نویسد: «گواشیر (نام دیگر کرمان) را طبیب در سابق منحصر به یک قبیله بود که آنان را طایفه حکیمان می‌نامند» (۴).

دوران حکومت صفویه و قاجاریه را می‌توان دوران طلایی خاندان نفیسی دانست. چندین تن از اطباء سرشناس این خاندان در دربار صفوی به عنوان طبیب اصلی یا حکیم‌باشی دربار خدمت کردند. دوره صفویه در ایران همزمان با حکومت گورکانیان در هند بوده و در این دوران به دلایل مختلف مذهبی و سیاسی رفت و آمد فراوانی بین این دو کشور صورت گرفته و در این بین اطباء زیادی نیز از ایران به هند مهاجرت می‌نمایند که برخی از جمله «حکیم ابوالقاسم بهمنی هندی» به ایران بازمی‌گردند. پزشک اول دربار یا حکیم‌باشی در دربار صفویه جایگاه بسیار ویژه داشته و به طور مستقیم یا غیر مستقیم در درمان سایر درباریان نیز نقش داشته است، اما جانسان نیز همواره در خطر بوده، زیرا در صورت هرگونه آسیب یا فوت شاه ایشان نیز کشته شده یا به حبس ابد محکوم می‌شده‌اند، این موضوع را یکی از دلایل اصلی مهاجرت پزشکان تراز اول آن دوره به هند می‌دانند (۲۰). در دوران زندیه و افشاریه نام اطباء این خاندان در میان اطباء دربار پادشاهی دیده نمی‌شود (۴) و به نظر می‌رسد در موطن اصلی خود کرمان متمرکز بوده‌اند.

دوران حکومت قاجار را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ پزشکی ایران و خاندان نفیسی دانست و دلیل آن تحول اساسی طب در آن دوره و تغییر ماهیت آن به نفع طب غربی بوده است که با رواج یافتن تحصیل طب در غرب و به ویژه در کشورهای همچون فرانسه همراه بود. از اواسط عصر قاجاریه به بعد، تحصیلات طبی در این کشورها، عملاً جای تحصیل طب در

گشت و تا سال ۱۲۹۸ قمری در این سمت باقی ماند. همچنین مطب او یکی از مکاتب چهارگانه درمان و آموزش پزشکی در عصر قاجار بود. وی همچنین در تأسیس دومین بیمارستان مدرن ایران در مشهد نقش مؤثری داشته است. میرزا عبدالرضا حکیم‌باشی به عنوان نخستین حافظ الصحه کرمان منصوب شده و دکتر ارسطوخان نفیسی نیز در سال ۱۳۰۴ شمسی ریاست صحیه و بیمارستان نوریه کرمان را بر عهده گرفته است. دکتر علی‌اصغر نفیسی نخستین وزیر بهداشتی ایران و صاحب امتیاز اولین مجله طبی ایران بوده است. دکتر عباس نفیسی معاون وزیر بهداشتی و همچنین دبیر کل شیر و خورشید (هلال احمر) ایران بوده است. وی همچنین جزء مؤسسين اولین انجمن تاریخ علوم و طب ایران بوده است (۵۰). دکتر ابوتراب نفیسی رییس دانشکده پزشکی اصفهان در سال ۱۳۶۲ شمسی اولین مرکز طب سنتی و گیاه درمانی را در ایران در دانشکده داروسازی و علوم دارویی اصفهان بنیانگذاری نمود و تا آخر عمر ریاست این مرکز را عهده‌دار بود. استاد سعید نفیسی کتابخانه‌ای بزرگ داشت که بخش اصلی آن مجموعه کتاب‌های پدرش، ناظم الاطباء بود، برخی از کتاب‌های این کتابخانه به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران اهدا و یا فروخته شده است. بررسی این موارد نقش غیر قابل انکار این خاندان را در تأسیس و ارتقای مراکز مهم درمانی و آموزش پزشکی به ویژه در دو قرن اخیر نشان می‌دهد.

۲-۳-۴. نقش اطبای خاندان نفیسی در مسائل سیاسی و فرهنگی: بسیاری از چهره‌های شاخص خاندان نفیسی عهده دار مشاغل حساس و مهم سیاسی از جمله شهرداری تهران، وزارت دارایی و کفالت وزارت کار بوده‌اند. اولین زن راه‌یافته به مجلس شورای ملی نیز از این خاندان است. اطبای این خاندان نیز علاوه بر خدمات بسیار در بخش‌های مختلف دانش پزشکی از جمله درمان، آموزش و تألیف کتاب، نقش مستقیم و غیر مستقیم قابل توجهی در دنیای سیاست داشته‌اند. چنانچه ذکر شد، بسیاری از آنان از جمله نفیس بن عوض، میرزا ابوالقاسم طبیب کرمانی، میرزا سعید شریف و حکیم اعلم کرمانی طبیب

هزار ساله داشت) رفته‌رفته از دست داد و مزایا و محاسن و تجربیات هزاران هزار ساله مربوط با این پدیده مهم تاریخ پزشکی نیز تا حدود زیادی از بین رفت (۱۷)، هرچند در طول دوره پهلوی و پس از آن نیز طب و آموزش پزشکی همچنان مرهون خدمات این خاندان است، چنانچه دکتر عباس نفیسی، دکتر ابوتراب نفیسی و دکتر رضا نفیسی از اساتید به نام دانشکده‌های پزشکی کشور در چند دهه اخیر بوده‌اند. عمق نفوذ و علاقه به مکتب طب ایرانی را می‌توان در تلاش‌های دکتر ابوتراب نفیسی یافت که پس از سال‌ها مهجوریت این مکتب طبی در مراکز علمی آکادمیک، اولین مرکز و کنگره طب سنتی و گیاه درمانی ایران را در اصفهان راه‌اندازی نمود (۴۵). از طرفی آثار گرانقدر اطبای این خاندان از جمله کتاب «شرح‌الاسباب والعلامات» «شرح موجز القانون» و «پزشکی‌نامه» همچنان در بین علاقمندان به طب سنتی ایرانی از مهم‌ترین منابع آموزشی قلمداد می‌گردد و به ویژه پزشکی‌نامه مانند پلی، دانش داروسازی کهن و نوین را به هم متصل کرده است. برخی از نوادگان این خاندان همچنین در سال‌های اخیر در حال خدمت‌رسانی در حوزه پزشکی بوده‌اند که از جمله می‌توان به دکتر محسن نفیسی استاد بازنشسته دانشگاه علوم پزشکی تهران و متخصص داخلی شاغل در بیمارستان امام خمینی اشاره نمود.

۲-۲-۴. نقش اطبای خاندان نفیسی در ساخت و مدیریت مراکز درمانی و علمی: بررسی زندگی‌نامه اطبای این خاندان نشان می‌دهد ایشان در ساخت و مدیریت مراکز درمانی و علمی چه به صورت دولتی و چه به صورت شخصی، چه در سطح محلی و چه در سطح کشوری، نقش قابل توجهی داشته‌اند. چنانچه ذکر شد، منزل شخصی حاج میرزا کاظم طبیب در یزد در حکم بیمارستانی محلی بود که بیماران پس از مراجعه به پزشک و استفاده از داروهایی که خود طبیب برایشان تهیه می‌کرد، در آنجا استراحت می‌کردند. ناظم الاطباء کرمانی در سال ۱۲۹۰ قمری به ریاست مریضخانه دولتی تهران (اولین بیمارستان به سبک اروپایی) منصوب

انجام شده اطلاعات بیشتری در مورد سرگذشت این افراد به دست نداد.

بخش اعظم خاندان بزرگ نفیسی تا اوایل قرن چهاردهم قمری ساکن کرمان بوده‌اند (۷)، اما در مقاطع مختلف اعضای این خانواده بزرگ بنا بر شرایط حاکم بر روزگار، به دلخواه یا به اجبار به نقاطی غیر از سرزمین آبا و اجدادی خود، کرمان، مهاجرت نموده‌اند (۵). در دوران الغ‌بیگ تیموری و تحت تأثیر جنبش علمی بزرگ ظهور یافته تحت لوای نام او در سمرقند، مراودات علمی گسترده‌ای میان کرمان و ماوراءالنهر ایجاد شد و از جمله با مهاجرت جمعی از دانشمندان و اطباء برجسته کرمانی از کرمان به سمرقند و برعکس آمدن برخی دانشمندان سمرقند به کرمان، تغییر و تحولات مهمی در تاریخ پزشکی کرمان روی داد. این امر سبب شناسانده شدن بیش از پیش توانایی‌های علمی حکیمان و اطباء کرمان به مردمان نقاط دیگر جهان و به ویژه به سلاطین و پادشاهان شد، طوری که از این دوره تاریخی به بعد، تقریباً همیشه پزشکانی کرمانی در جمع اطباء مخصوص سلاطین و پادشاهان حضور داشته‌اند (۱۷). پس از آن نیز مهاجرت اطباء ایرانی به هند رواج یافت و از جمله حکیم ابوالقاسم بهمنی هندی که مانند بسیاری پزشکان دیگر در آن زمان دوره‌ای را در هند به سر برده است. همچنین در اواسط دوره قاجار نفیسی‌های کرمان به دوستانه اصلی تقسیم می‌شوند که علت آن مهاجرت میرزا ابوتراب به اصفهان به دلیل ایجاد اختلافات فرقه‌ای مذهبی در کرمان بوده است (۴). برخی نیز مانند ناظم الاطباء برای ادامه تحصیل به تهران مهاجرت نموده‌اند (۳۶).

در طول تاریخ و اکنون در شهرهای کرمان، تهران، یزد، مشهد، اصفهان و ابرکوه و حتی در کشورهای آمریکا و اروپا و هند می‌توان اعضای این خانواده را سراغ گرفت. در موارد نسبتاً زیادی نیز تغییر نام خانوادگی وجود داشته است. در بررسی انجام شده نام‌های خانوادگی همانند حکیمان، ایرانی کرمانی و بصیری (نوادگان میرزا کاظم طبیب) از نوادگان این خاندان به

ویژه در دربار پادشاهان یا حکام محلی بوده‌اند. یکی از برجسته‌ترین چهره‌های سیاسی این خاندان، ناظم الاطباء است که پزشک مظفرالدین‌شاه بوده و چنانچه نقل شد، به نظر می‌رسد در به ثمر رسیدن مشروطه نیز نقشی داشته است. در این باره همچنین نقل شده است که وی دائماً در خلوت، مضار استبداد و منافع مشروطیت را به گوش مظفرالدین‌شاه می‌رسانید (۴). پیش‌تر به برخی از سمت‌های سیاسی اطباء این خاندان از جمله در وزارت بهداشتی اشاره شد. عباس نفیسی همچنین یک دوره نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای ملی را در کارنامه فعالیت سیاسی خود دارد.

تأسیس مراکز فرهنگی از جمله مدرسه (به عنوان مثال مدرسه شرف به عنوان اولین مدرسه مدرن ایران)، انجمن علمی (اولین انجمن تاریخ علوم و طب) و مراکز خیریه (از جمله وقف درمانگاه توسط همدم نفیسی) و تألیف و ترجمه صدها جلد کتاب در حوزه‌های مختلف ادبی، تاریخی و فرهنگی از جمله اقدامات مهم فرهنگی اطباء این خاندان است. بررسی تألیفات این خاندان نشان از علاقه‌ای وافر به فرهنگ و دانش ایرانی دارد، از جمله می‌توان به تألیف کتاب فرهنگ نفیسی توسط ناظم الاطباء و همچنین تألیفات دکتر عباس نفیسی با عناوین «تاریخ طب» و «اصول طب قدیم ایرانی از روی ذخیره خوارزمشاهی»، به زبان فرانسه (۱۹۳۳ م. / ۱۳۱۲ ش.) و «تاریخ نفوذ طب اروپایی در ایران» (۱۹۳۳ م. / ۱۳۱۲ ش.) اشاره کرد (۵۰).

۵. بحث

هدف از این مطالعه معرفی چهره‌های طبی شاخص خاندان بزرگ نفیسی بوده است، اما اشاره به نکاتی پیرامون این خاندان و دلایل احتمالی رشد و شکوفایی آن‌ها می‌تواند بر غنای کار بیفزاید.

نخست اینکه با بررسی شجره‌نامه بسیار بزرگ موجود از این خاندان، افراد دیگری نیز با القابی چون حکیم، حکیم‌باشی، طبیب و حافظ‌الصحه به چشم می‌خورد، اما بررسی‌های

شمار می‌آیند، اما در این مطالعه تنها افرادی از خاندان که با همان نام اصلی نفیسی شناخته شده‌اند، معرفی گردیدند. نکته دیگری که می‌توان مورد توجه قرار داد، عوامل مؤثر در پیشرفت چهره‌های بزرگ این خاندان است. با نگاهی به شجره‌نامه موجود از این خاندان به راحتی می‌توان وفور حکما، اطباء و ادبای سرشناس را دریافت، لذا به نظر می‌رسد یکی از عوامل اصلی، عامل وراثت بوده باشد. سعید نفیسی در این باره می‌گوید: «در تاریخ فرهنگی و اجتماعی ایران بارها به این نکته برخوردیم که در روزگاران گذشته بسیاری از خاندان‌ها و دانشوران ما فرزندان خود را پشت در پشت در رشته و فن خود می‌پرورده‌اند. شک نیست که این کار دو سود آشکار داشته است: نخست آنکه نوآموز از روزی که ذهنش به کار می‌افتاده و پدرش را در کار می‌دیده با پیشه او انس می‌گرفته است؛ دوم اینکه به حکم قانون وراثت که فواید آن در روانشناسی هویداست، در سرشت وی قریحه‌ای برای رشته خانوادگی اندوخته بوده است» (۵۱). در اینجا استاد سعید نفیسی علاوه بر عامل وراثت به عامل تربیت و آموزش اولیه در بستر خانواده نیز اشاره نموده است. از دیگر عوامل مهم و اساسی می‌توان به شرایط محیط زندگی از جهات مختلف سیاسی و اجتماعی و نقش حاکمان و والیان اشاره نمود که چندین نمونه از اثرات واضح آن را در رشد افراد شاخص این خاندان می‌توان مثال زد، از جمله می‌توان به ایجاد زمینه رشد سرسلسله این خاندان، حکیم برهان‌الدین نفیس کرمانی توسط الغ‌بیگ تیموری اشاره نمود. محمد ترغای معروف به الغ‌بیگ، شاه تیموری فرزند شاهرخ‌شاه و گوهرشاد بیگم است که هر دو هنرپرور و دانش‌پرور و اهل حکمت بودند (۱۹). الغ‌بیگ با تاسی به چنین پدر و مادری هم رصدخانه‌ای در سمرقند ساخت و گاه‌شمار دقیقی به نام «زیج سلطانی» پدید آورد و هم پژوهشگاهی برای آموزش علوم و فنون تأسیس کرد و بهترین استادان را از سراسر کشور به کار تحقیق و تدریس گمارد (۳) و شرایط رشد فردی چون برهان‌الدین نفیس را فراهم آورد.

همچنین زمینه شکوفایی استعداد علی‌اکبرخان ناظم‌الاطباء توسط اسماعیل‌خان وکیل‌الملک حاکم مستقل کرمان فراهم شد که از سال ۱۲۷۵ تا سال ۱۲۸۳ قمری در ایالت پهناور کرمان و بلوچستان حکومت داشته است (۵۲). وکیل‌الملک در حدود سال ۱۲۸۲ قمری با علی‌اکبر بیست ساله ملاقات کرد و آثار هوش و درایت را در او دید و با اینکه وی علاقمند به فلسفه بود، وکیل‌الملک با شناختی که از پیشه و پیشینه خانوادگی وی داشت، او را تشویق کرد به تهران برود و حرفه پزشکی را با اصول جدید در دارالفنون که چند سال پیش از آن تأسیس شده بود، تحصیل کند و تمهیدات تحصیل او را فراهم کرد (۴). وکیل‌الملک فردی خیر بود که اقدامات متنوعی انجام داده است، از جمله احداث تعداد زیادی حمام و کاروانسرا و بازار بزرگ کرمان که به نام بازار وکیل کرمان معروف است (۵۲). دوران حکومت وکیل‌الملک در واقع یک دوران تحول در تاریخ سیاسی کرمان محسوب می‌شود. احمدعلی‌خان وزیری اشاره می‌کند که هرگاه آثار و ابنیه آن مرحوم را از کرمان بردارند، این مملکت از صورت آبادی خواهد افتاد و در حکم بیابان است (۲۲).

استاد جلال‌الدین همایی می‌نویسد: «ملاحظه کنید که یک توجه و عنایت به مورد که از طرف اولیای امور و بزرگان وقت، در حق اشخاص لایق و مستعد می‌شود، چه اندازه اثر نیک در فرهنگ کشور می‌بخشد و چه قدر نتایج سودمند در شؤن عالی مملکت از آن بروز می‌کند» (۴).

از دیگر نکات قابل تأمل در بررسی بزرگان و چهره‌های شاخص این خاندان حضور زنان است که خود نشانگر این موضوع است که در طول تاریخ هر کجا و هر زمان که شرایط محیطی برای رشد علمی و فرهنگی زنان فراهم بوده است، منجر به شکوفایی استعدادهای نهفته ایشان گردیده است (۵).

در این مطالعه سعی شد با استفاده حداکثری از منابع موجود و همچنین انجام مصاحبه با بازماندگان، معرفی کامل‌تری از چهره‌های شاخص این خاندان در حیطه پزشکی ارائه گردد، البته در برخی موارد مشکلات و محدودیت‌هایی وجود داشت،

۸. سهم نویسندگان

بی‌تا قاضی‌زاده: کمک قابل توجه در طراحی مطالعه، جمع‌آوری مطالب و انجام مصاحبه‌ها، تحلیل یا تفسیر داده‌های آن و تهیه پیش‌نویس مقاله.

ریحانه معینی: ایده اولیه مطالعه، تحلیل و تفسیر داده‌ها و اصلاح‌نمودن آن و تصویب نهایی نسخه آماده‌شده برای چاپ و پاسخگوبودن در تمام جنبه‌های پژوهش.

نرجس گرجی: تحلیل و تفسیر داده‌ها و اصلاح‌نمودن آن و تصویب نهایی نسخه آماده‌شده برای چاپ و پاسخگوبودن در تمام جنبه‌های پژوهش.

زهرامعماریانی: تحلیل و تفسیر داده‌ها و اصلاح‌نمودن آن و تصویب نهایی نسخه آماده‌شده برای چاپ و پاسخگوبودن در تمام جنبه‌های پژوهش.

۹. تضاد منافع

مطالعه فوق فاقد تضاد منافع می‌باشد.

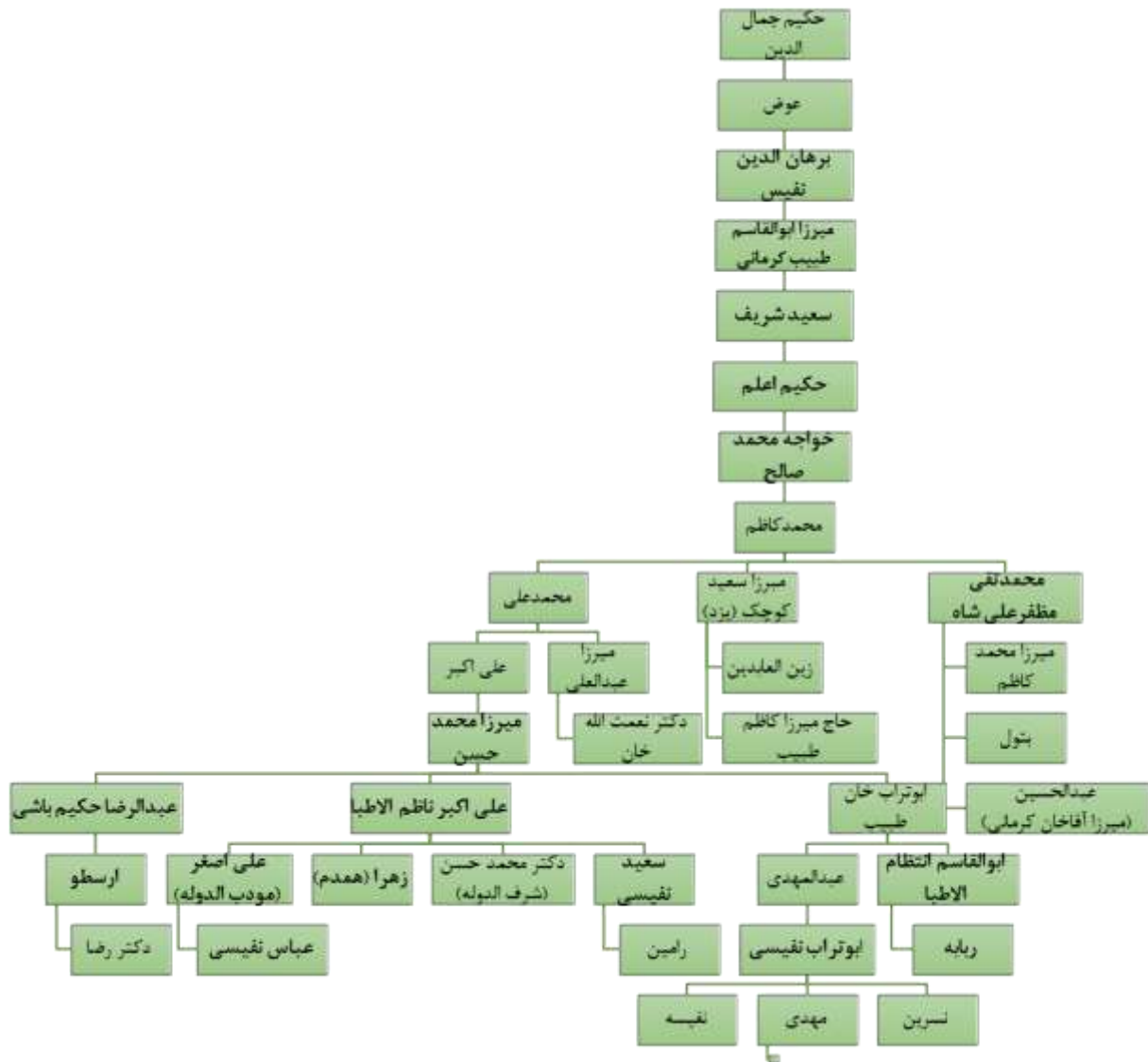
از جمله کمبود منابع قابل اعتماد مدون در مورد طبای قدیمی‌تر خاندان که امر تحقیق و پژوهش درباره زندگی و آثار ایشان را دشوار می‌نمود، به علاوه در خاندان‌های پزشکی پیشه به منظور زنده‌نگاه‌داشتن یاد و خاطره یک طبیب، نام وی بر نوادگان وی نهاده می‌شده و این امر در خاندان نفیسی نیز بسیار رایج بوده، لذا در شجره‌نامه این خاندان در دوران‌های مختلف طبایی گوناگون با اسامی یکسان وجود دارند که این امر با وجود کمبود اطلاعات ثبت شده و دقیق که تفکیک آن‌ها را از یکدیگر میسر سازد، دقت و توجهی مضاعف را ایجاب می‌کرد. همچنین چنانچه ذکر شد، تغییر نام خانوادگی باعث شد، تنها به افرادی که با نام نفیسی شناخته شده‌اند، پرداخته شود.

۶. نتیجه‌گیری

طبای خاندان نفیسی از قرن نهم تا روزگار فعلی نقش قابل توجهی در حوزه‌های مختلف علمی، سیاسی و اجتماعی تاریخ ایران زمین داشته‌اند. به نظر می‌رسد شناسایی سایر نوادگان برهان‌الدین نفیس که با اسامی خانوادگی متفاوت از شاخه اصلی این خاندان مشتق شده‌اند، اطلاعات بیشتری از تاریخ این خاندان بزرگ را نمایان سازد. همچنین توجه به عوامل موفقیت اعضای این خاندان می‌تواند راهگشایی برای شکوفایی بیشتر استعدادهای نهفته در این سرزمین باشد.

۷. تشکر و قدردانی

در پایان، شایسته است که از همکاری و اظهار لطف نوادگان و بازماندگان این خاندان، آقای رامین نفیسی و خانم نسرین نفیسی که به صورت مصاحبه حضوری و مکالمه تلفنی، در نگارش این مقاله کمک فراوانی نموده‌اند، تقدیر و تشکر شود.



تصویر ۱: بخشی (کوچک) از شجره‌نامه خاندان نفیسی با تأکید بر اطبا و حکمای شناخته‌شده این خاندان

(برگرفته از شجره‌نامه کامل خاندان نفیسی تهیه‌شده در مرکز یادگارهای سعید نفیسی)، فایل حاوی شجره‌نامه کامل این خاندان که بسیار حجیم است از مرکز یادگارهای سعید نفیسی دریافت شد و با بررسی کامل آن شجره‌نامه خلاصه فوق که حدود یک‌دهم شجره‌نامه اصلی است، استخراج گردید.



تصویر ۲: دکتر علی اکبر خان نفیسی، ناظم الاطباء (از جلد اول فرهنگ نفیسی)

References

1. Bayat A. The Role of prominent Iranian Families in the Interaction process in Iranian-Islamic culture until the Fourth century AH. *Journal of the History of Islamic civilization* 2010; 43(1): 25-41.
2. Jalilian S, Kaviani P, Gondēšāpurian H. Physicians of the House of Māsavayh and Islamic Medicine. *Jundishapur Scientific Medical Journal* 2016; 15(2): 49.
3. Etesam A. Political, Literary, Youth Memoirs. Narrated by Nafisi S. 1st ed. Tehran: Markaz Publishing; 2002.
4. Bastani P, Ebrahim M. Hakiman Nafi. Tehran: Kelk; 2004. p.148.
5. Nafisi N, Nafisi M. Nabz Hayat (Life and works of Dr.Abu Torab Nafisi). Isfahan: The Role of the Sun; 2002.
6. Abro H. Shahabuddin Abdullah ibn Lotfallah Khafy, Zobdato Altavarikh. Introduced and Corrected Haj Seyed Javadi SK. 1st ed. Tehran: Printing and publishing organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance; 2001.
7. Nafisi AK. Farhang Nafisi. Tehran: Khayyam Publications; 1976.
8. Nafis Ibn Awad Kermani, Sharh Al-Asab and Al-Alamat, Institute for the Study of Medical History, Islamic and Complementary Medicine. 1st ed. Qom: Jalaluddin Publishing; 2008
9. Nafisi R. genealogy of Nafisi family. Prepared by Saeed Nafisi Memorial Center. Tehran: Iran Book News Agency, Literature and Art; 2019
10. Noor Software, Comprehensive Medicine Library, Computer Research Center of Islamic Sciences. 2014. p.374.
11. Hosseini Khand Mir GH. Habib al-Seer fe Akhbar Afrad Bashar. Tehran: Khayyam Publications; 1954.
12. Nafisi A. A Brief History of Medical Sciences until the Beginning of the Contemporary Century. Isfahan: University of Isfahan; 1986.
13. Safa Z. History of Literature in Iran. Tehran: Ferdows Publishing; 1984. Vol.4.
14. Mir MT. Famous Physicians of Pars. 1st ed. Shiraz: Shiraz University Publishing; 1969.
15. Almasi M. Akbari Teb Hakim Mohammad Arzani. Qom: Tebyan Cultural and Information Institute Publishing; 2016. Vol.2.
16. Afshar I. Saeed Nafisi Library and its manuscripts, Encyclopedia of the Islamic World, Islamic Encyclopedia Foundation. Tehran: Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran; 1972. p.25-38.
17. Malekmohammadi M. Kerman Medical History. 1st ed. Kerman: Gara Publications; 2013.
18. Sharif Kermani SH. Collection of Sharia al-Alaj and Nafayis al-Teb. Tehran: Institute of History of Medicine, Islamic Medicine and Complementary Medicine, Tehran University of Medical Sciences; 2011.
19. Irani Kermani M. The genealogy of the Nafis clan in Kerman. Kerman: Endurance Weekly, Cultural, Socio-Economic Weekly, Southeast of the Country; 2018.
20. Mashizi Bardsiri MMS. Safavieh Tazkereh of Kerman. Introduced by Bastani Parizi ME. 1st ed. Tehran: Science Publications; 1990.
21. Noorbakhsh J. Kebrit Ahmar and Bahr al-Asrar from Hazrat Mozaffar Alisha Kermani. Tehran: Khaneghah Nematollahi Publications; 1971.
22. Vaziri AAK. Kerman Geography. Efforted by Bastani Parizi ME. 4th ed. Tehran: Association of Cultural Works and Honors; 1998.
23. Taheri Shahab M. Jaber Ibn Hayyan, Professor of Alchemy in Iran. *Jelveh Magazine* 1946; 2(2): 47-56.
24. Ghaffari N. A New Commitment in the Poetry of Mirza Kazem Tabib Yazdi. *Isfahan University, Foonon Adabi (Scientific-Research)* 2018; 10(1): 33-46.
25. Ghaffari N. A Stylistic View of the Unique Version of Mirza Kazem Tabib Yazdi's Divan. *Persian Quarterly Journal of Scientific and Prose (Bahar Adab) Scientific Resrarch* 2017; 10(2): 189-205.
26. Najmi SSH. A review of the Life of Mirza Ali Akbar Khan Nafisi Kermani (Nazim Al-Atab'a) and His Culture, Islamic Azad University of Rey. *Journal of Moscow* 2009; 4(12): 179-210.
27. Tabrizi Khayabani (Modaress Tabrizi) MA. Reyhaneh al-Adab (Tabiban). Efforted by Rajabnejad MR. 1st ed. Tehran: Iranian Teb Publishing; 2017.
28. Homayi J. Precious (nafis) jewel went. *Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran* 1967; 14(3): 265-277.
29. Nafisi AK. Pezeshki Nameh. Tehran: Published by the Institute of Medical History Studies, Islamic

- Medicine and Supplement, Iran University of Medical Sciences; 2004.
30. Sarmadi MT. Research in the History of Medicine and Treatment of the World from the Beginning to the Present. Tehran: Tehran Publishing; 2001.
31. Nazem ul-Islam Kermani MM. History of the Iranian Awakening. Corrected by Saeedi Sirjani AA. Tehran: Peykan Publishing; 1997.
32. Hedayati J. History of Contemporary Iranian Medicine from the Establishment of the dar al-Fnoon to the Islamic Revolution. 1st ed. Tehran: Iran University of Medical Sciences and Health Services; 2002.
33. Nabipour I. Sinai Medicine in the Transition to Modernity in Qajar Iran. 1st ed. Bushehr: Bushehr University of Medical Sciences; 2012.
34. Ghahremani Asl V. The Effectiveness of Modern Therapeutic Methods and Institutions and Its Role in the Development of Modern Medicine in Qajar Iran. *Islamic Azad University of Bojnourd, Scientific Research Quarterly, History Journal* 2018; 13(50): 142-168.
35. Nafisi R. Professor Saeed Nafisi's house registration file. Tehran: Saeed Nafisi Memorial Center; 2014.
36. Aqeli B. Biography of Contemporary Political and Military Men of Iran. 1st ed. Tehran: Goftar Publishing; 2001. p.3.
37. Roustaei M. History of Medicine and therapy in Iran According to Documents. 1st ed. Tehran: Documents and National Library of the Islamic Republic of Iran; 2003. p.2.
38. Bagheri M, Baradar R, Soltani M. Analytical study of medical information in Persian periodicals of the Qajar period. *Quarterly Journal of Medical History* 2009; 1(1): 147-169.
39. Taybi SM. Medicine and therapy in Kerman Asr Qajar Province. *Quarterly Journal of Medical History* 2013; 1(16): 125-152.
40. Behzadi Andouhjerdi H. Nafisi family of Kerman medicine series. *Payam Ma Newspaper* 2016; 12(771): 4.
41. Ittihad H. Contemporary Iranian Researchers. Tehran: Farhang-e Moaser Publications; 2008. p.4.
42. Afshar I. Commemoration of Nafisi. *Bukhara Quarterly* 2011; 82: 337-348.
43. Navaei A, Malekzadeh E. Documents related to the law on student's dispatch (1928-1934). Tehran: National Documents and Library Organization of the Islamic Republic of Iran; 2003.
44. Algood C. History of Iranian Medicine from Ancient Period to 1934. Translated by Javidan M. Tehran: Iqbal Publications; 1973.
45. Moatar F. Introducing the Celebrities of Traditional Medicine of Islam and Iran; Abu Torab Nafisi. *Journal of Traditional Medicine of Islam and Iran* 2011; 2(2): 177-180.
46. Ghanbari O. Biography and Scientific and Cultural Services of the Deceased Dr. Aboutrab Nafisi. 1st ed. Tehran: Association of Cultural Works and Honors; 2015.
47. Biography of Professor Dr. Aboutrab Nafisi. Isfahan: School of Medicine, Isfahan University of Medical Sciences; 2017.
48. Kavyani Pooya H, Shojae nia F. An Investigation of the Reasons for the Migration of Iranian Safavid Physicians to India and Its Consequences. *Journal of Iranian Studies* 2020; 18(36): 187-213.
49. Laleh H, Vaferi R. a historical review on transformation of the traditional medicine to modern medicine in Iran during the qajar period. *Journal of Humanities* 2006; 16(6): 131-165.
50. Azizi MH. A brief history of the first Iranian society of sciences and medicine (1961) and its founders. *Medical History* 2010; 2(2): 173-187.
51. Nafisi s. Excerpts from My Life. *Bukhara Magazine* 2011; 82: 230-239.
54. Najmi S. Esfandiari Family Government in Kerman (Mohammad Ismail Khan Nouri Esfandiari). *Journal of Humanities* 2003; 2(38): 97-119.



MHJ

Medical History Journal

Autumn 2020; 12(44): e7

Journal Homepage: <http://journals.sbmu.ac.ir/en-mh>



ORIGINAL RESEARCH

An Overview of the Life, Publications and Achievements of the Famous Physicians of the Nafisi Family and Their Role in the Medical History of Iran from the 9th to the 14th Century AH

Bitā Ghazizadeh¹, Reihaneh Moeini^{2*} , Narjes Gorji³, Zahra Memariani⁴

1. Msc Student in Medical History, Student Research Committee, Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran.

2. M.D., Ph.D. in Persian Medicine, Assistant Professor, Traditional Medicine and History of Medical Sciences Research Center, Health Research Institute, Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran.

3. M.D., Ph.D. in Persian Medicine, Assistant Professor, Traditional Medicine and History of Medical Sciences Research Center, Health Research Institute, Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran.

4. Pharm.D. Ph.D., Pharmacy in Persian Medicine Assistant Professor, Traditional Medicine and History of Medical Sciences Research Center, Health Research Institute, Babol University of Medical Sciences, Babol, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article history:

Received: 30 June 2020

Accepted: 10 October 2020

Published online: 20 November 2020

Keywords:

Medical History of Iran

Nafisi

Kerman

Nafis bin Awad Kermani

Nazem al-Atab'a

ABSTRACT

Background and Aim: The Nafisi family, which has a brilliant history of more than six hundred years in the history of Iran, has raised great scientists in various sciences and technologies who have played a significant role in the progress and excellence of this country. This study aims to review the life and works of the great physicians of this family.

Materials and Methods: This study was conducted by library study, face-to-face and telephone interviews and review of existing genealogy.

Findings: The head of this family, to whom the family name of Nafisi is attributed, Nafis bin Awad Kermani (Hakim Borhanuddin), was one of the most famous physicians of the ninth century AH lived in Kerman. Her most famous works are the book *Sharh al-Asab* and the book *Sharh Mojz al-Qanun*. Mirza Saeed Sharif Kermani (11th century AH), who was special physician of Shah Abbas the Great (5th Safavid king), Mirza MohammadTaghi Tabib, nicknamed Muzaffar Alisha (12th and 13th centuries AH) and Haj Mirza Tabib Kermani (died 1300 AH), were other famous physicians of this family. Mirza AliAkbar Khan Nafisi, nicknamed Nazem al-Atab'a (1224-1303 AH), is one of the most famous physicians of this dynasty who has left two valuable works, the dictionary of *Farhang e Nafisi* and the *Pezeshkinameh*. Dr. Abutorab Nafisi (1293-1386 AH), head of the Isfahan School of Medicine and Pharmacy in the 1940s and author of several books and articles, was another prominent physician in the family. The physicians of this family, especially in the Safavid period and in the late Qajar period, played a very significant role in promoting health, treatment and medical education in Iran, as well as political and cultural relations.

Ethical Considerations: Honesty and trustfulness were observed by referring texts and references used.

Conclusion: Natural talent, generational education and the provision of environmental conditions by the rulers of the time can be considered as the main reasons for the success of this family in various fields.

* **Corresponding Author:** Reihaneh Moeini

Address: Traditional Medicine and History of Medical Sciences Research Center, Babol University of Medical science, Babol, Iran.

Email: R.moeini@mubabol.ac.ir

© Copyright (2018) Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran.

Cite this article as:

Ghazizadeh B, Moeini R, Gorji N, Memariani Z. An Overview of the Life, Publications and Achievements of the Famous Physicians of the Nafisi Family and Their Role in the Medical History of Iran from the 9th to the 14th Century AH. *Medical History Journal* 2020; 12(44): e7.